

پیام ششمین کنگره حزب به: کارگران و زحمتکشان

ششمین کنگره حزب توده ایران دروذهای گرم و رزمجویانه اش را به طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور تقدیم می‌دارد.

در طول بیش از سه دهه اخیر و زیر سایه استبداد ولایی، امنیت شغلی، سطح زندگی و معیشت و حقوق کارگران و زحمتکشان میهن ما، این آفرینندگان ثروت‌های ملی، بیش از پیش روبه وخامت نهاده است. این در حالی است که طبقه کارگر ایران نقشی کلیدی و اساسی در سرنوشت دیکتاتوری سلطنتی و به پیروزی رسیدن انقلاب بهمن بر عهده داشت. اینک سی و چهار سال پس از این رخداد تاریخی، و به دنبال شکست انقلاب و حاکم شدن واپس‌گرایان، کارگران و زحمتکشان از بدیهی‌ترین حقوق شناخته شده‌شان در عرصه‌های مختلف مانند: حقوق سندیکایی، حق برپایی تشکل‌های مستقل - سندیکاها - امنیت شغلی، حق اعتصاب، و حضور و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی مربوط به زندگی و سرنوشت خود، محرومند.

کارگران و زحمتکشان آگاه!

در بیش از سه دهه اخیر و با اجرای سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی ضد مردمی‌ای همانند برنامه تعدیل اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصادی، مقررات زدایی، خصوصی سازی، و آزادی سازی اقتصادی (هدفمندی یارانه‌ها)، که همگی فرمان‌های صادر شده از سوی «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» بوده‌اند، سطح زندگی و امنیت شغلی طبقه

کارگر و دیگر زحمتکشان به شدت کاهش یافته و پایمال شده است. این اوضاع در چند سال اخیر، خصوصاً از هنگام اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی (هدفمندی یارانه‌ها)، در مقایسه با گذشته وخیم‌تر گردیده است. رشد نرخ تورم، فروپاشی بنیه تولیدی - صنعتی کشور، افزایش نرخ بیکاری، کاهش سطح دستمزدها، و رواج قراردادهای موقت، نمونه‌هایی گویا و در معرض دید از نتیجه‌های اجرای سیاست‌های فاجعه‌بار اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه است که به وسیله دولت ضدملی احمدی‌نژاد و با حمایت ولی فقیه به اجرا در آمده‌اند.

آنچه این اوضاع را نگران‌کننده‌تر و تحمل‌ناپذیرتر می‌سازد، تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی است که بر دامنه فقر و تیره‌روزی مردم و به ویژه زحمتکشان بسی افزوده است. زندگی شما کارگران، نمونه گویا و مشخص فقر بر اثر سیاست‌های رژیم و تحریم‌های امپریالیستی است. در طول ماه‌های اخیر، بر اثر نوسان‌های بازار ارز و کاهش ارزش پول ملی، به طور رسمی اعلام شد که، دستمزد کنونی زحمتکشان فقط برای گذران ۱۰ روز کافی است. در عین حال، بیش از ۸۰ درصد کارگران کشور با قراردادهای موقت و سپید امضا مشغول به کارند، و هرگاه کلان‌سرمایه‌داران اراده کنند آنان اخراج و بیکار می‌شوند. در این زمینه آمارها نشان می‌دهد که، رشد شاخص مزد و حقوق کارگران واحدهای صنعتی بزرگ و کلیدی کشور در ۵ سال اخیر، ۳۳ درصد کمتر از رشد شاخص هزینه‌های زندگی بوده است. علاوه بر این، برآوردهای رسمی منتشر شده حاکی از آنست که، فقط طی یک سال قدرت خرید کارگران و زحمتکشان بیش از ۷۵ درصد کاهش داشته است.

به این موردها اصلاح قوانین کار و تامین اجتماعی را باید افزود تا ژرفای یورش ارتجاع به حقوق و دستاوردهای طبقه کارگر ایران و نیز زندگی و معیشت ناگوار آن‌ها به خوبی در معرض داوری قرارگیرد. با تغییر و اصلاح قوانین کار و تامین اجتماعی، بسیاری از حقوق کارگران نظیر: حق تشکل، افزایش دستمزدها، تامین امنیت شغلی، دسترسی به بهداشت و درمان، حق بازنشستگی، و موردهایی مهم از این قبیل، به کلی نابود می‌گردند.

در چنین وضعیتی، مبارزه دلیرانه شما کارگران و فعالان سندیکایی حتی در چارچوب قوانین موجود به سختی و با شدت هرچه تمام‌تر سرکوب می‌گردد. اعمال فشارهای هدفمند به سندیکالیست‌ها، تهدید، اخراج، و بازداشت کارگران فعال در سندیکاها و تشکل‌های مستقل، سیاست دایمی و شناخته شده ارتجاع حاکم در رویارویی با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما بوده و هست. به علاوه، تهدید، تطمیع، و فریب، از دیگر اجزای سیاست ارتجاع در برابر جنبش کارگری به شمار می‌آیند.

کارگران و زحمتکشان، فعالان آگاه و پیشرو جنبش کارگری!

در شرایط ضعف نیروی سازمان‌یافته طبقه کارگر، آن چنان که تجربه کودتای انتخاباتی سال ۸۸ ثابت کرد، امکان درهم کوبیدن ارتجاع حاکم و گشودن مسیر برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی وجود نداشته و ندارد. از این روی، برای روبه‌رو شدن با تحولاتی صحنه سیاسی کشور، از جمله تحولاتی مربوط به انتخابات پیش‌روی ریاست جمهوری، تقویت نقش و جایگاه جنبش کارگری از اهمیت بنیادین برخوردار است. مبارزه هوشیارانه و ستایش‌برانگیز شما در راه احیای حقوق سندیکایی و احیا و برپایی سندیکاهای مستقل - سندیکاهایی که بر پایه صحیح طبقاتی شکل گرفته باشند - بخش مهم و موثر این پیکار سرنوشت‌ساز تاریخی است.

جنبش کارگری و نیز سندیکایی زحمتکشان میهن ما برای آنکه بتواند نقش و رسالت تاریخی خود را در رویارویی با ارتجاع و امپریالیسم در این مقطع زمانی حساس به خوبی ایفا کند، به پیوندی مستحکم با جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه سراسری مردم علیه دیکتاتوری حاکم نیازمند است. زمینه‌ها و محمل‌های ضروری عینی به‌منظور تقویت جایگاه جنبش کارگری و نیز یافتن فصل مشترک‌ها بین خواست‌های طبقه کارگر و دیگر طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی وجود دارند. رواج اقتصاد انگلی و غیرمولد و پیامدهای فاجعه‌بار آن، ضرورت مبارزه با رونمای به‌غایت فاسد استبدادی، مقابله و مخالفت با تحریم‌های مداخله‌جویانه، و هرگونه مداخله خارجی‌ای که به نقض استقلال ملی و حق حاکمیت ملی منجر شود، از زمره زمینه‌هایی به‌شمار می‌آیند که می‌تواند به پیوند میان جنبش کارگری با دیگر جنبش‌های اجتماعی یاری رساند، و زمینه‌های اتحاد عمل را بین خواست‌های زحمتکشان و دیگر لایه‌های اجتماعی پدید آورد. در مرحله مشخص کنونی، در کنار مسئله‌های پراهمیتی چون احیای حقوق سندیکایی، بالا بردن سطح همبستگی و سازمان‌دهی جنبش کارگری، و تقویت صف‌های جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان - بر پایه استقلال عمل و ماهیت طبقاتی آن‌ها - ضروری است که، جنبش کارگری و سندیکایی گام‌هایی معین به‌منظور یافتن فصل مشترک‌ها با دیگر جنبش‌ها و نمایندگان سیاسی طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی دیگر که با رژیم ولایت فقیه و سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی آن در مخالفت و تقابل قرار دارند، به‌پیش بردارد. آینده جنبش کارگری و چگونگی عملکرد و جایگاه آن در مجموعه جنبش مردمی برضد استبداد و مداخله خارجی، به این مبارزه، یعنی جستجو برای فراهم ساختن زمینه اتحاد عمل در چارچوب جبهه وسیع ضد دیکتاتوری بستگی دارد. فراموش نکنیم که، سرنوشت جنبش کارگری، با سمت و سوی مبارزه مردم میهن ما در هر مرحله با ارتجاع و استبداد و استعمار، در پیوند تنگاتنگ قرار دارد.

پیام به: کارگران و زحمتکشان

کارگران و زحمتکشان!

ششمین کنگره حزب توده ایران، باردیگر با قاطعیت تمام، و همچنان که تاریخ پرفراز و نشیب و پرافتخار حزب طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران - نشانگر آن است، با شما عهد می‌بندد تا در مبارزه برای تأمین منافع آتی و آتی کارگران و زحمتکشان، همراه، همگام، و درکنار شماست، و به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه می‌دهد.

پیش به سوی احیای حقوق سندیکایی طبقه کارگر ایران!

برقرار باد پیوند مستحکم جنبش کارگری با جنبش دمکراتیک و آزادی خواهانه مردم ایران
برضد استبداد ولایتی!

درود آتشین به کارگران گرفتار در بند رژیم، و همه فعالان آگاه و پیشرو طبقه کارگر ایران!
درود بر حزب توده ایران، سنگر استوار طبقه کارگر و همه زحمتکشان فکری و بدی ایران!
برقرار باد جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و
طرز رژیم ولایت فقیه!

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به: خانواده‌های جان‌باختگان راه بهروزی مردم ایران و حقوق توده‌های زحمت، و خانواده‌های زندانیان سیاسی

ما امروز با واقعیت‌های تلخ زندگی مردم و توده‌های زحمتکش میهن‌مان روبه‌رویم، هم به‌لحاظ وضعیت گذران روزمره و نیازمندی‌های اولیه، و هم به‌لحاظ برخوردار نبودن از آزادی‌هایی که جزو حقوق طبیعی‌شان است: چه به‌منظور کوشش برای پیاده کردن عدالت اجتماعی، چه برای اثرگذاری بر این وضعیت وخیم اجتماعی و فرهنگی و مشارکت در رقم زدن سرنوشت مردم، میهن، و خانواده خود، و چه برای رویارویی با سیاست‌های بین‌المللی‌ای که تأثیری فاجعه‌بار بر زندگی و هستی مردم برجای می‌گذارد، و یا برای دست‌وپنجه نرم کردن با گرانی‌ها و پیامدهایش: گرسنگی مزمن و بیماری‌های گوناگون، از تن در دادن به مصائب حیثیتی برای به کف آوردن لقمه‌ی بیشتری گرفته تا سر کردن با دلهره‌های ناشی از تهدید دخالت نظامی خارجی، که همچون پیامدهای ناشی از تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی، آوار خانمان برانداز آن بر سر مردم و توده‌های زحمت فرو می‌ریزد و لطمه‌هایی جبران‌ناپذیر بر جان و هستی آنان و عزیزان‌شان خواهد زد.

افشای اینهمه نامردمی و ستم، و هم‌زمان با آن، روشنگری، راه‌چاره‌ی یافتن و یا نشان دادن آن، کاری بس سترگ و آمیخته به خطرهای هلاکت‌آور بود و هست. مبارزه در راه مردم رشادت و از خودگذشتگی‌ای اسطوره‌وار می‌طلبد، و این چیزی جز همان آرمان‌های انسانی مادران، پدران، خواهران، برادران، و یا همسران شما خانواده‌های

شهیدان، جانباختگان، و زندانیان سیاسی نبوده است که عزیزانتان یا بر سر این عهد خود با مردم‌شان جان نهادند، و یا بندی سیاه‌چال‌های رژیمند.

این جانباختگان، زندانیان، این مادران، پدران، خواهران، برادران، و همسران شما، از گرامی‌ترین تعلق خاطرشان، از گوهر گران‌بهای هستی‌شان درگذشتند تا گامی در راه پرمخاطره‌ی ساختن جامعه‌ی عادلانه برای مردم‌شان، برای زحمتکش‌ان میهن‌شان، و برای خانواده و آیندگان‌شان سازمان دهند. بی‌شک در این راه دشوار پرنشیب و فراز، شما یاوران همیشه آنان بودید، هستید، و خواهید بود. می‌توان دانست که پشتوان مبارزه‌شان در شکنجه‌گاه‌ها، تحمل حبس‌های انفرادی، سینه سپر کردن‌ها در میدان‌های تیرباران، رازدار خلق بودن‌شان، گرمای مهرتان به آنان، و پایداری‌تان در مصائب و آلام بود، هست، و خواهد بود. هر گامی به پیش در راه بنای جامعه‌ی عادلانه، یادآور خاطره گرامی این شهیدان و جانباختگان است.

هر گامی به پیش در راه دستیابی به آزادی‌ها و عدالت اجتماعی مدیون مقاومت زندانیان سیاسی است، و نیز یادآور پایداری شما در نبود این جانباختگان و مدیون شکیبایی‌تان در این عرصه است.

ششمین کنگره حزب توده ایران با دقتی بی‌سکوت یاد همه شهیدان راه بهروزی مردم ایران و حقوق توده‌های زحمت، از جمله جانباختگان توده‌ای، را گرامی داشت، و گرم‌ترین درودها را نثار خانواده‌های ارجمند آنان کرد. کنگره همچنین به زندانیان سیاسی متعلق به اقشار گوناگون عقیدتی که در راه خدمت به منافع مردم و میهن‌مان و در راه آرمان‌های والای آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه کرده‌اند و بر سر پیمان خود با توده‌ها پایداری می‌کنند درودهای پرشور می‌فرستد و با خانواده‌های این زندانیان ابراز همبستگی می‌کند. اینک کنگره به پایداری شما درود می‌فرستد، به شما خانواده‌های گرانقدر جانباختگان و زندانیان سیاسی میهن رنج‌دیده‌مان.

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به: جوانان و دانشجویان مبارز میهن

کنگره ششم حزب توده ایران گرم‌ترین درودهایش را به شما جوانان و دانشجویان، پیش‌تازان شجاع، مبتکر، و آرمان‌گرای جنبش حق‌طلبانه مردم ایران تقدیم می‌دارد.

جنبش آزادیخواهی جوانان و دانشجویان همچون بخشی مهم از جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران در دهه گذشته بسیار گسترده و پرتحول بوده است. زنان و مردان جوانی که بی‌واهمه از ستم‌گری‌های حاکمیت، پرچم اصلاحات بنیادین سیاسی را به دوش گرفته و دیکتاتوری دین‌سالار حاکم را به مصاف خوانده‌اند، در لحظه لحظه جنبش اعتراضی سالیان اخیر نقشی بسیار برجسته داشته‌اند. شعارهای داده شده در مبارزه دانشجویان کشور نشان می‌دهند که جنبش جوانان و دانشجویان روزبه‌روز پخته‌تر شده و پیوندهای آن با جنبش صلح، با مبارزه زنان برای تغییر قوانین و رفع همه تبعیض‌ها، و با جنبش اعتراضی کارگران میهن‌مان ژرف‌تر شده‌اند. اینکه شمار بسیاری از جوانان و دانشجویان در بازداشتگاه‌های رژیم در شرایط دهشت‌بار و زیر شکنجه و برخوردهای وحشیانه قرار دارند، و چهره‌هایی مبارز از جنبش دانشجویی، دختر و پسر، به دلیل فعالیت‌های‌شان به حبس‌هایی درازمدت و بی‌سابقه محکوم شده‌اند، بازتاب روشنی از نقش آنان در این کارزار است. کنگره ششم حزب توده ایران همبستگی خود را با مبارزان جوان راه آزادی میهن از یوغ استبداد اعلام می‌دارد.

صف‌های حزب توده ایران در سراسر تاریخ ۷۱ ساله‌اش سنگرهایی مطمئن از برای آموختن شیوه‌های کارآی مبارزه و به کارگیری آن‌ها از سوی جوانان آرمان‌گرا در مسیر

عملی کردن تغییرهای پایه‌ای در نظام اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی ایران بوده است. نسل جوان و پویای جامعه ما همواره در پی یافتن جایگاهی مطمئن که اندیشه‌های کنجکاو را پرورش دهد و بر اثر آن نسلی آگاه و متعهد به خلق بسازد، نه تنها خود در تشکیل و برپایی چنین جایگاهی سهم و شرکت داشت، بلکه زمینه‌های شرکت فعالانه طیف گسترده‌ای از جوانان و دانشجویان را از همان مقطع تشکیل حزب توده ایران فراهم کرد. بنیان‌گذاران حزب توده ایران علاوه بر فعالان کارگری - که با اندیشه‌های سوسیالیستی قبل و بعد از انقلاب کبیر اکتبر در اتحاد شوروی آشنا و در کوران مبارزه آبدیده شده بودند - همراه با نسلی آگاه و تشنه علم که برای تحصیل به خارج از کشور رفته بودند و سرآمد آنان زنده یاد رفیق ارانی بود، توانست هم حزبی نیرومند برای دفاع از زحمتکشان میهن برپا دارد و هم جنبش نیرومند دانشجویی‌ای را پایه‌گذاری کند که از زمان برپایی و تشکیل حزب توده ایران تاکنون، دیکتاتوری‌های حاکم بر میهن‌مان را با چالش‌هایی جدی رو در رو سازد. حیات، فعالیت، و دستاوردهای حزب توده ایران بدون درهم تنیدگی‌اش با مبارزه نسل جوان و دانشجویان میهن نمی‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. تاثیر انکارنشدنی‌ای که حزب توده ایران از آغاز تاسیس تاکنون در رشد، شکوفایی، و تحول‌های فکری نسل جوان داشته است، حتی مورد تایید دشمنان قسم خورده حزب ما است. از مقطع تشکیل حزب توده ایران تا رویداد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، زیر تاثیر فعالیت حزب توده ایران حضور جوانان و دانشجویان آن‌چنان وسیع و گسترده بود که کمتر تحول سیاسی‌ای را می‌توان سراغ گرفت که در آن جوانان و دانشجویان نقش نداشته‌اند. رژیم محمدرضا شاه با همه تلاشی که کرد هیچ‌گاه موفق نگردید سکوت قبرستانی را در جامعه و به‌خصوص بین نسل جوان و دانشجویان حکم‌فرما کند، و کارزارهای اعتراضی جوانان و دانشجویان، در داخل و خارج از کشور، توانست در سرنگونی رژیم وابسته او نقشی انکار ناپذیر بازی کند.

جوانان و دانشجویان مبارز و آگاه

با پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، انتظار این بود که فضا برای فعالیت‌های آزادی‌خواهانه به‌خصوص برای نسل جوان و دانشجو مهیا شود. با وجود همه امیدواری‌ها، تاریخ اندیشان حاکم کوتاه مدتی پس از انقلاب با سازمان‌دهی یورش جنایتکارانه به دانشگاه‌های میهن و اشغال آن‌ها، و با هدف سرکوب قطعی آزادی‌خواهی و مبارزه‌جویی نسل جوان و دانشجویان، در میراندن همیشگی شعله انقلابی‌گری در نسل جوان کوشش کرد. رژیم کهنه اندیش مصمم بوده است تا با گسترش سرکوب، و برای چپاول منابع ملی، به حیات ننگین‌اش ادامه دهد، و در این مسیر صدمه‌های جانی و روحی سنگینی را به شما نسل جوان و دانشجو وارد کرده است. هراس رژیم ولایت فقیه از نسل پویا و آگاه را از شمار کشته شدگان جنبش آزادی‌خواهانه ایران، ترکیب زندانیان سیاسی،

اخراج‌های آشکار و نهان دانشجویان از دانشگاه‌ها و محروم کردن آنان از تحصیل به روشنی می‌توان دریافت. علیرغم دستیازی رژیم به همه این سرکوب‌ها، دستگیری‌ها و شکنجه‌های وحشیانه در رویارویی با پیکار شما در راه آزادی و عدالت اجتماعی، و با همه فراز و نشیب‌ها در مسیر مبارزه، سنت مبارزاتی شما نسل آزاده، همچنان استوار و پابرجا ادامه یافته است.

جوانان و دانشجویان مبارز و آگاه

سرکوب گسترده و بی‌وقفه رژیم ولایت فقیه بر ضد نیروهای آزادی‌خواه، به‌خصوص از مقطع کودتای انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸ بدین سو، پدیده بسیار نگران‌کننده‌ی رزمینه‌سازی کرده است که هوشیاری نسل جوان را طلب می‌کند. به دلیل استقرار جو سرکوب همه‌جانبه و بالا بردن هزینه مبارزه اصیل سیاسی از سوی رژیم، شمار زیادی از فعالان سیاسی از جمله دانشجویان و جوانان مجبور به ترک ایران گردیده‌اند. برخی محفل‌های مشکوک، که در ارتباطشان با جریان‌های ضد مردمی و یا وابسته به قدرت‌های منطقه‌ای و امپریالیستی شکی نیست، سعی کرده‌اند چنین القاء کنند که، مبارزه اصیل و مستقل جنبش مردمی در راه تغییرهای موثر در داخل کشور غیرممکن است. این محفل‌ها با توجه دادن بعضی از این فعالان دانشجویی و جوانان مجبور به مهاجرت سیاسی شده به سرکوب‌گری رژیم، سعی کرده‌اند به‌منظور جذب این مهاجران به محفل‌ها و جریان‌های ضد مردمی و وابسته به ارگان‌های اطلاعاتی و هدایت شده از سوی کشورهای امپریالیستی، زمینه‌سازی کنند. این پدیده خطرناک و مخرب که به ضرر جنبش مردمی است، لزوم هوشیاری شما نسل جوان و آگاه را بیش از پیش به ضرورتی مهم تبدیل کرده است. بدون اغراق جنبش دانشجویی و جوانان میهن‌آزمونی بسیار دشوار برای نیل به آزادی و دموکراسی را تجربه می‌کند. به موازات سرکوب‌های خشن، بی‌رحمانه، و سیستماتیک از سوی رژیم ولایت فقیه، ما همچنین وضعیتی را شاهدیم که عملاً مانع هر نوع تشکلیابی مستقل از سوی دانشجویان می‌گردد. اجرای طرح تفکیک جنسیتی که به صورت خزنده، از چند سال پیش تاکنون به مورد اجرا در آمده است، به همراه بازبینی و حذف درس‌های علوم انسانی و جایگزینی آن‌ها با تفکرات ارتجاعی چهره‌های معلوم‌الحالی همچون مصباح یزدی، از چالش‌های جدی‌ای‌اند که جنبش دانشجویی در آزمون سخت خود در رویارویی با آن باید پیروزمند بیرون بیاید.

جوانان و دانشجویان مبارز و آگاه

شرکت کنندگان در کنگره ششم حزب توده ایران، بار دیگر بر تعهد حزب بزرگ نیاها، شریعت رضوی‌ها، هوشنگ تیزابی‌ها، تورج حیدری بیگوندها، خسرو مقصودی‌ها، و

پیام به: جوانان و دانشجویان مبارز میهن

محمد جانجانیان‌ها به حمایت و همبستگی همه‌جانبه‌اش با جنبش جوانان و دانشجویان میهن برای صلح، آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی، تاکید می‌کند. کنگره ششم حزب توده ایران اعلام می‌دارد که، جنبش دانشجویی و نسل جوان میهن‌مان همچون همه برهه‌های هفت دهه پیش، همچنان می‌تواند سنگری مطمئن، و پشتیبان و تکیه‌گاهی برای تحقق هدف‌های جنبش مردم میهن را در صف‌های مبارزه‌جوی حزب توده ایران بیابد. کنگره ششم حزب توده ایران با توجه به نقش تعیین‌کننده و انکارناپذیر شما جوانان و دانشجویان در حیات سیاسی تاریخ معاصر میهن‌مان، بار دیگر عهد می‌بندد تا در راه شجاعانه‌ای که در آن گام برداشته‌اید، پشتیبان تزلزل‌ناپذیر شما باشد.

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به: زنان آزادی خواه ایران

کنگره ششم حزب توده ایران ضمن درودهای گرم و پرشور به زنان آزادی خواه ایران، همبستگی و حمایت خود را از مبارزه برحق شما زنان کنشگر و زحمتکش ایران که بار اصلی فشارهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی میهن استبدادزده ما را به دوش می کشید، اعلام می دارد. حماسه حضور رزم جویانه و تحسین برانگیزتان در مرحله های تعیین کننده تاریخ معاصر، با خطوطی زرین در صفحه های سرگذشت مبارزات مردم میهن مان حک شده است.

تلاش های خستگی ناپذیر شما در به دست آوردن حقوقتان، از حق سوادآموزی گرفته تا حق شرکت در تعیین سرنوشت سیاسی تان، به رغم میل ارتجاع، به چنان نتیجه های درخشانی انجامیده است که دانشگاه ها و مدرسه های عالی کشور شاهد حضور پرشمار شماست. شرکت فعال شما زنان در تحول های سیاسی جامعه و مبارزه با تبعیض جنسیتی، نابرابری های اقتصادی - اجتماعی، و فرهنگ پدرسالارانه، خواب خوش را از چشم های ارتجاع زن ستیز ربوده است.

زنان زحمتکش، مبارز، و آگاه ایران!

شما ۳۴ سال پیش با حضور میلیونی خود به همراه دیگر نیروهای مترقی، استبداد سلطنتی را برافکندید، و به حق هم انتظار داشتید تا به خواست های برابری خواهانه و دمکراتیک خود دست بیابید، اما با شکست انقلاب بهمن ۵۷ و شکل گیری حکومتی مبتنی

بر استبداد فردی و مذهبی، با رژیم‌می به غایت عقب مانده و قرون وسطائی رو به روید که مصمم است شما را به «گناه» آگاهی و تلاش‌تان برای گسستن زنجیرهای تبعیض و نابرابری، دوباره به کنج خانه‌ها بازگرداند. امروزه با شدت یافتن سیاست تبعیض و تفکیک جنسیتی و دیگر برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی ضد مردمی، کشور ما به بحرانی عمیق و فاجعه بار سوق داده شده است که از سویی رخ دادن جنگی خانمان‌سوز میهن ما را تهدید می‌کند و از سوی دیگر ادامه حیات ننگین رژیم ولایت فقیه تنها با سرکوب خشن نیروهای مردمی از جمله زنان امکان پذیر شده است.

شما زنان با حضور مؤثرتان در جنبش خرداد ۷۶ و جنبش اعتراضی پس از کودتای انتخاباتی ۸۸، پایه‌های حاکمیت ولایت فقیه را به لرزه درآوردید، و ثابت کردید که نیروی پرتوان زنان در صورت سازمان یافتگی و درهم پیوندی با دیگر نیروهای مردمی، برای ادامه حاکمیت رژیم زن ستیز ولایت فقیه تهدیدی جدی به حساب می‌آید.

از این روی، رژیم برای ادامه حیات ننگین خود، سیاست‌های زن ستیزانه و ارتجاعی خود را شدت بخشیده است. نقض خشن حقوق زنان و سرکوب فعالان آن، همراه با طرح و تصویب قوانین تحقیرآمیز و ضد انسانی، سیاست‌هایی اند که به شکلی هدفمند، حذف تدریجی زنان از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کند و حضور آنان را در حوزه‌های کار، تحصیل، آموزش، و مشارکت در امور اجتماعی و اقتصادی را بیش از گذشته محدود می‌کند. در این ارتباط از لایحه «کاهش ساعات کار زنان در صنایع» - که پیش از هر چیز امنیت شغلی زنان کارگر را هدف قرار می‌دهد - گرفته تا طرح‌هایی مثل: «اشتغال زنان با محوریت توجه به خانواده»، «اشتغال نیمه وقت زنان»، افزایش مرخصی زایمان بدون بسترسازی اقتصادی و اجتماعی به نفع زنان، دورکاری، استخدام دو زن به جای یک زن، و تشویق و پیشبرد سیاست بالا بردن نرخ باروری با رهنمود ولی فقیه، و به کارگیری سیاست قرون وسطائی تفکیک جنسیتی می‌توان نام برد، که در جهت بازگرداندن، تقویت، و بقا بخشیدن به نقش سنتی زنان به کار بسته می‌شوند. همه این تدبیرها و اقدام‌ها، بی تردید موجب رشد بیش از پیش نرخ بیکاری زنان می‌شود.

در عرصه حقوق مدنی نیز رژیم زن ستیز ولایت فقیه تلاش‌های گسترده‌ای را برای تهاجم یا باز پس گرفتن دوباره دستاوردهای مبارزاتی شما آغاز کرده است. دخالت در امور خصوصی، نقض حقوق شهروندی‌ای چون کنترل و اجبار پوشش زنان، لایحه ارتجاعی «حمایت از خانواده» و لایحه «صدور گذرنامه» برای زنان و دختران بالای ۱۸ سال، که تنها با اجازه پدر یا همسر صادر می‌شود، از نمونه‌های بارز دستبرد به حقوق زنان

است که برخلاف مخالفت‌های قاطع قشرهای مختلف زنان، حکومت همچنان مصمم است آن‌ها را به تصویب رساند.

زنان قهرمان و مبارز ایران!

سرکوب‌خشن و نقض حقوق مسلم زنان در بیش از سه دهه گذشته همواره با مقاومت قهرمانانه شما زنان میهن‌مان روبه‌رو بوده است. پیکار حماسی زندانیان سیاسی زن در شکنجه‌گاه‌های رژیم و مقاومت اسطوره‌هایی چون فاطمه (سیمین) مدرس، از صفحه‌های درخشان تاریخ جنبش مبارزاتی مردم میهن ما در پیکار با رژیم ولایت فقیه است.

هم اکنون نیز زندان‌های ایران مملو از زنان مبارز و آزاده‌ای است که با پایداری خود حماسه می‌آفرینند، زنانی از قشرهای گوناگون جامعه، از زنان حقوق‌دان و خبرنگار گرفته تا زنان خانه‌دار، فعالان حقوق زنان و حقوق بشر، از دختران دانشجو گرفته تا مادران صلح و مادران پارک لاله، و جز اینان، که با مقاومت بی‌نظیر خود در زندان‌های جمهوری اسلامی، روحیه پایداری و رزمندگی را در جامعه گسترش می‌دهند.

زنان مبارز و آگاه ایران!

حزب توده ایران، از آنجائی که اعتقاد عمیق دارد که آزادی هر جامعه‌یی در گرو آزادی زنان آن جامعه است، همواره از مبارزه و تلاش برحق شما در راه دست یافتن به خواست‌های برابری خواهانه و لغو هر نوع ستم جنسی حمایت می‌کند و خواهد کرد؛ زنان مبارز توده‌ای همواره در روشنگری و طرد شئون عقب مانده سنتی و فرهنگ زن‌ستیزانه در شکل‌های مختلف آن، نقشی انکارناپذیر ایفا کرده‌اند.

امروز نیز زنان شجاع ایران مبتکرانه، برای تشکل‌یابی و آگاه‌سازی زنان، به ویژه زنان زحمتکش و محروم ایران تلاش می‌کنند، زیرا فرهنگ پدرسالارانه و تبعیض جنسیتی در کنار فشارهای کمرشکن اقتصادی، ستمی چندگانه را به آنان تحمیل می‌کند که رشد روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی مانند فقر، فحشا، اعتیاد، و پدیده دلخراش کودکان خیابانی نزد این قشر آسیب دیده بیش از قشرهای دیگر بیداد می‌کند. از همین روی، پیدا کردن تدبیرهای نو و راهکارهای تازه در بین توده محروم زنان از اولویتی خاص برخوردار است.

زنان و مادران صلح طلب ایران به خوبی آگاهند که تنها در سایه صلح می‌توان به حقوق انسانی دست یافت و جنگ حاصلی جز نیستی و ویرانی، به بار نخواهد آورد، بنابراین

پیام به: زنان آزادی‌خواه ایران

زنان و مادران صلح ایران دیگر اجازه نخواهند داد تا رژیم ولایت فقیه با سیاست‌های ماجراجویانه خارجی‌اش - که یادآور تجربه دردناک سیاست ادامه جنگ خمینی با عراق است، که در خلال آن میلیون‌ها نفر از فرزندان این آب و خاک به کام مرگ فرستاده شدند - بار دیگر مُرغ وای جغدهای جنگ را در کشور ما به صدا درآورد. از این روی، زنان صلح‌طلب و آزادی‌خواه ایران بی وقفه به مبارزه و افشای جنگ افروزان داخلی و نیروهای جنگ طلب خارجی ادامه می‌دهند.

زنان شجاع و آزاده ایران!

شما بارها ثابت کرده‌اید که می‌توانید نقش و مسئولیت تاریخی خود را به شایستگی انجام دهید، و همان طور که رژیم استبدادی شاهنشاهی را در همراهی با سایر نیروهای مردمی به زیر کشیدید، امروز نیز با ابتکارهایی نو و سازمان‌دهی مبارزه صنفی - اجتماعی و پیوند دادن آن با جنبش مردمی، می‌توانید راه استقرار آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و لغو ستم جنسی و طبقاتی را در جامعه هموار سازید.

درد آتشین به زنان زحمتکش و مبارز ایران!

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به: نیروها و سازمان‌های ملّی، آزادی‌خواه و عدالت‌جوی کشور

دوستان، هم‌زمان، و آزادی‌خواهان کشور،

کنگره ششم حزب توده ایران به همه شما که در پیکارهای جاری در راه برچیدن بساط استبداد حاکم بر کشور و برقراری حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی شرکت دارید، صمیمانه درود می‌فرستد.

۳۴ سال پس از پیروزی انقلاب بزرگ و مردمی بهمن ۱۳۵۷، نه‌تنها آرمان‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه آن انقلاب تحقق نیافته است، بلکه رژیم خودکامه و تاریک‌اندیشی، حاکمیت انحصارطلبانه خود را بر کشور تحمیل کرده است که حاصل سیاست‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی آن: استبداد سیاسی، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی، پایمال کردن حقوق بنیادی و دموکراتیک افراد جامعه و نهادهای مدنی، بیکاری، گرانی، ورشکستگی تولید، برقراری اقتصادی دلّالی در سایه اقتدار و کنترل رانت‌خواران حکومتی، الیگارش‌ی نظامی، و سرمایه‌داران بزرگ تجاری و بوروکراتیک انگل‌صفت، است.

استقرار حکومت دین‌سالار و ولایت فقیه که مجموعه حاکمیت را به طور تنگاتنگی در چنگال و حیطة انحصار و کنترل خود قرار داده است، یادآور حکومت‌های خلیفه‌گری اسلامی و دوران «تفتیش عقاید» و حکومت کلیسای مسیحی بر اروپا در قرون وسطی است. چنین حاکمیتی که مشروعیت خود را نه از اراده و تصمیم شهروندان، بلکه از

«خداوند» می‌داند، درهای اعمال حق حاکمیت مردم را به هر وسیله ممکن بسته است و خود را پاسخگو به مردم نمی‌داند. حاکمیت ولایی کنونی، و به‌ویژه شخص ولی فقیه و به‌اصطلاح «بیت رهبری»، به راه‌های گوناگون - و از جمله حکم حکومتی - این اختیار و اجازه را به خود می‌دهد که در مقام «نماینده خدا»، اراده خود را بر خواست مردم و حتی بر «نمایندگان» مجلس رد شده از صافی شورای نگهبانش و رئیس جمهوری برگمارده خودش هم که ظاهراً به رأی مردم انتخاب شده‌اند، تحمیل کند. علاوه بر این‌ها، اقتدار این فرد بر قوه قضاییه و نهادهایی مثل سپاه پاسداران و صدا و سیما، و جز این‌ها، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول مربوط به ولایت مطلقه فقیه به آن شکل قانونی هم داده شده است، در واقع «دیکتاتوری قانونی» ای را بر کشور و ملت ما تحمیل کرده است. این دیکتاتوری ولایی، به خشن‌ترین وجه، حقوق بنیادی و دموکراتیک شهروندان، و از جمله حق انتخاب آزادانه و بدون «نظارت استصوابی» نمایندگان را پایمال کرده است. با توجه به شکل و ماهیت این حاکمیت دین‌سالار خودکامه و انحصارگر است که حزب توده ایران آن را اساسی‌ترین مانع در راه برقراری حکومتی مدنی می‌داند که در آن مردم امکان می‌یابند اراده خود را بدون دخالت «ولی فقیه» و اعوان و انصارش محقق کنند. به همین دلیل است که حزب توده ایران، برچیدن بساط این حاکمیت ولایی را با شعار مشخص «طرد رژیم ولایت فقیه» مطرح کرده است. حزب ما این تغییر شیوه حکومت‌مداری را نخستین گام در راه تحوّل بنیادی می‌داند که این فرصت را فراهم خواهد آورد تا بتوان عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی زندگی مردم سخت‌کوش و رنج‌کشیده ایران را به طور اساسی متحوّل کرد. فقط از این راه است که می‌توان به یک جامعه دموکراتیک رسید، و تحقق عدالت اجتماعی و تأمین زندگی‌ای شایسته برای مردم میهن‌مان را عملی کرد.

از سوی دیگر، حزب توده ایران بر این باور است که، به علت تنوع و ترکیب نیروهای ملی مخالف استبداد حاکم، فقط از راه اتحاد و همکاری و همیاری سازمان‌یافته میان این نیروهاست که می‌توان با برنامه و عمل مشترک، بساط این تاریک‌اندیشی و واپس‌گرایی را برچید و حق حاکمیت مردم بر سرنوشتشان، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، و عدالت اجتماعی را برقرار کرد. میهن ما در دو دهه گذشته شاهد رشد جنبش مردمی و اصلاح‌طلبانه‌ای بود است که به رغم همه سرکوبگری‌ها رژیم هم‌چنان به پیکار خود بر ضد رژیم استبدادی حاکم ادامه می‌دهد و دست آوردهای شایانی به همراه داشته است.

حزب توده ایران صمیمانه از همه حزب‌ها، سازمان‌ها، نیروها، و شخصیت‌های ملی ضد استبداد و ترقی‌خواه، دعوت می‌کند که با درک شرایط حساس کنونی، به طور

جدی در راه تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری ای که در واقع ستاد مبارزه ضد استبدادی و عدالت خواهانه بر اساس یک برنامه کار مشترک با حفظ استقلال سازمانی و سیاسی هر عضو جبهه خواهد بود، گام بردارند. در شرایطی که استبداد خشن سازمان یافته‌ی بر میهن حاکم است، تفرقه و پراکندگی نیروهای ترقی خواه، بی‌برنامگی و سازمان نیافتگی جنبش مردمی، نداشتن شعارهای فراگیر و هدفمند کوتاه مدت و درازمدت متناسب با شرایط و مرحله مبارزه، تا کنون آسیب‌های فراوانی به جنبش زده است و ناکامی‌هایی جدی در پیکار آن با این استبداد خشن به بار آورده است. نمونه‌های بسیار روشن این آسیب‌ها را در جنبش اعتراضی و خیزش مردمی پس از انتخابات تقلب‌آمیز ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به صورت ضرب و شتم و شکنجه و درهم شکستن و کشتار مبارزان شاهد بودیم. همان‌گونه که پیش‌تر هم بارها اعلام کرده‌ایم، بگذار همکاری، تبادل نظر، و اتخاذ موضع‌های مشترک ما، پیام امیدی باشد برای جنبش آزادی خواهی و عدالت طلبی، مردم جان به لب رسیده، و روشنفکران میهن، و نویدی باشد برای دستیابی به یک دموکراسی پایدار.

دوستان و هم‌زمان!

به‌رغم همه سرکوب‌های استبداد، جنبش آزادی خواهانه و عدالت جویانه مردمی همچنان در عمق جامعه جریان دارد. انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه سال ۱۳۹۲ نیز بی‌تردید بار دیگر آبستن رخدادهای حسّاسی در کشور ما خواهد بود که جرقه‌های آن را از هم اکنون می‌توان دید. حضور آگاهانه و با برنامه نیروهای مردمی در ماه‌های آتی، می‌تواند ابتکار را از دست حاکمان مرتجع بگیرد و گامی اساسی در راه به عقب‌نشاندن و طرد رژیم ولایت فقیه بردارد. شکی نیست که این مبارزه‌ی آسان و بی‌دغدغه و بی‌مخاطره نخواهد بود. اما با خرد جمعی و حرکت بر پایه یک توافق مشترک میان نیروهای متحد در یک ائتلاف یا جبهه ضد استبدادی، می‌توان فرصتی گران‌بها برای به دست آوردن پیروزی‌های اساسی در راستای تأمین منافع مردم فراهم کرد. حزب توده ایران بار دیگر از نیروهایی که خواهان برچیدن بساط استبداد از ایران هستند، و هدفی ندارند جز استقرار آزادی، استقلال، صلح، و عدالت اجتماعی به دست توانای مردم سخت‌کوش میهن‌مان و بدون دادن اجازه دخالت به نیروها و قدرت‌های خارجی، دعوت به ایجاد جبهه متحد ضد دیکتاتوری می‌کند. حزب ما آماده است که برای تعیین یک برنامه کار مشترک در چارچوب این جبهه، با همه حزب‌ها، سازمان‌ها، و شخصیت‌های سیاسی میهن دوست هم‌فکری و همکاری کند. به اعتقاد ما، برداشتن این گام، ضرورت تاریخی تأخیرناپذیری است که همه ما باید مسئولانه به آن برخورد کنیم.

پیام به: نیروها و سازمان‌های ملی، آزادی خواه و عدالت جوی کشور

به امید همکاری‌های مشترک و کامیابی در راه برچیدن بساط دیکتاتوری رژیم ولایت فقیه، استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، و تأمین زندگی‌ای شایسته برای مردم سختی کشیده میهن‌مان.

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن‌ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به: خلق‌های زیر ستم و آزادی‌خواه ایران

ششمین کنگره حزب توده ایران، به شما خلق‌های میهن‌مان که در شرایط دشوار و بغرنج کنونی برای دستیابی به آزادی، برابری حقوق و الغای ستم ملی مبارزه می‌کنید، و در طول سده‌های متمادی تاریخ سرنوشت مشترکی داشته‌اید، و در راه تحقق آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی در میهن واحدمان فداکاری‌های بی‌شماری از خود نشان داده‌اید، صمیمانه درود می‌فرستد. مبارزه قهرمانانه خلق‌های میهن ما، در مقام بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبش‌های بخش کشورمان در دوره‌های متفاوت تاریخ معاصر ایران، از جمله انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نقشی تعیین‌کننده در پیروزی جنبش مردمی داشته است. انقلاب بهمن ۵۷، به رغم پیروزی در مرحله سیاسی و سرنوشتی رژیم دیکتاتوری - پلیسی پهلوی، و به رغم آنکه بخش‌هایی از خواست‌های خلق‌های میهن ما در قانون اساسی برآمده از انقلاب گنجانده شد، نتوانست زمینه‌های عملی شدن حقوق ملی در ایران را تأمین کند. توطئه‌های ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی، خیلی زود وحدت خلق‌های میهن ما را هدف قرار داد، یورش نظامی دولت برآمده از انقلاب به کردستان و آذربایجان، و در پی آن جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، و سپس متوقف شدن اجرای برنامه‌های مردمی در راه تأمین حقوق زحمتکشان، از جمله اصلاحات ارضی، و شدت یافتن یورش به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، به طور عملی زمینه‌ساز تحکیم پایه‌های ارتجاع، و در نهایت، شکست انقلاب بهمن ۵۷ گردید. به باور ما، مبارزه امروز خلق‌های میهن‌مان و حزب‌ها و سازمان‌های مترقی‌شان با رژیم ولایت فقیه، در اوضاع بسیار حساس و دشوار چه از نظر داخلی و چه از منظر بین‌المللی در جریان است، و از این روی، ارایه سیاست

و راه کارهایی که تأمین کننده منافع و مصالح همه خلق های ایران باشد، از اهمیتی اساسی برخوردار است. روی داده های منطقه خاورمیانه نشان داده است که امپریالیسم جهانی تأمین منافع کوتاه و دراز مدت خود را از طریق تفرقه افکنی و به وجود آوردن تشتت و همچنین ایجاد درگیری های قومی تأمین می کند. به گمان ما سیاست های عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی رژیم ولایت فقیه بر ضد خلق های میهن و سرکوب خشن خواست به حق آن ها، زمینه ساز شدت پیدا کردن درگیری های قومی و یاری دهنده سیاست های امپریالیسم در منطقه و کنار مرزهای میهن ماست. امروز خلق های کرد، آذری عرب، ترکمن، و بلوچ، در چهار گوشه میهن ما زیر شدیدترین سیاست های سرکوب گرانه، تحقیر ملی، و محروم بودن از ابتدایی ترین حقوق از جمله تحصیل به زبان مادری اند. در چنین اوضاع بغرنج و فوق العاده حساسی، ما ضمن اعلام حمایت صریح خود از مبارزه خلق های ایران برای دستیابی به حقوق ملی شان، معتقدیم که با تحکیم پیوندهای مبارزه همه خلق های ایران با مبارزه کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان، و دانشجویان، پیکاری سراسری بر ضد رژیم ولایت فقیه را باید شدت بخشید. بدون طرد رژیم استبدادی حاکم، به دستیابی خلق های میهن به حقوق شان، و در نتیجه آن، استقرار آزادی و حقوق دموکراتیک در ایران نمی توان امیدوار بود. ششمین کنگره حزب توده ایران، طرفدار برابری کامل حقوق کلیه خلق ها و اقلیت های مذهبی میهن ماست. ما ضمن دفاع پیگیر از استقرار حکومتی فدرال و تأمین کامل حقوق ملی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی خلق های ایران، در عین حال بر این اعتقادیم که تأمین منافع کوتاه و دراز مدت خلق های میهن ما نه در گسست از میهنی واحد، بلکه در چارچوب ایرانی آزاد، مستقل، و دموکراتیک امکان پذیر است.

گرامی باد خاطره تابناک جان باختگان خلق های میهن ما در راه دستیابی به حقوق ملی، آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به: روزنامه نگاران، نویسندگان و هنرمندان (در همه رشته‌های هنری)

هجوم برنامه‌ریزی شده و مداوم به روزنامه نگاران، و نویسندگان و گردانندگان روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها، سایت‌ها، و وبلاگ‌ها، به کارزاری سیستماتیک برضد نشر آزاد دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، و همچنین اطلاع رسانی و عرصه‌های مشابه، تبدیل شده است. این هجوم‌ها در اکثر مورد به دستگیری، نقض حقوق شهروندی، تجاوز به حریم خصوصی، اهانت، و برخورد فیزیکی همراه بوده‌اند. علاوه بر این‌ها، با اتهام همکاری با «عوامل بیگانه» و «جاسوسی» برای آنان - اتهامی کهنه و به ارث رسیده از سلف سلطنتی رژیم ولایی و به پوسیدگی خود این دو رژیم - معمولاً همراه است.

ما شرکت کنندگان در ششمین کنگره حزب، از گردش آزاد اطلاع رسانی، ارائه آزادانه دیدگاه‌ها، و تحلیل‌های متفاوت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی روزنامه نگاران کشورمان [هرچند که با برخی از این دیدگاه‌ها، بر اساس موضع گیری‌های خاص حزبی مان، دارای زاویه‌ایم و یا حتی مخالفیم، و به موقع خود به آن‌ها پاسخ هم گفته‌ایم] حمایت می‌کنیم، حمایت کرده‌ایم، و در آینده نیز در این مسیر پیکار خواهیم کرد. ما از نشر آزاد و رها از تهدید سانسور، دفاع می‌کنیم، و بازداشت و شکنجه روزنامه نگاران و مسئولان روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها، نویسندگان سایت‌ها و وبلاگ‌های مستقل را محکوم می‌کنیم، و بر آنان که در مسیر آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و استقلال ملی مان از جان و جسم و هستی خود مایه می‌گذارند، دروهای گرم می‌فرستیم.

کنگره همچنین به زنان و مردان روزنامه نگاری که با رشادت کم نظیرشان، و تحمل شکنجه‌ها و بیماری‌های ناشی از آن‌ها، بر آرمان‌های انسانی و مردمی خود پای می‌فشارند،

درود می‌فرستد، و همچون گذشته، در آینده نیز آوای به بندکشیده شده‌شان را در سراسر جهان می‌پراکند.

رژیمی که از سخن پراکنی و تبلیغ درباره معنویت، اخلاق، و فرهنگ دمی باز نمی‌ماند، بر اثر هر چه تنگ‌تر کردن دایره سانسور کتاب و آفرینش‌های هنری در همه رشته‌های هنری - کار را به جایی کشانده است که شمارگان (تیراژ) کتاب از متوسط ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ در رژیم گذشته، به ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ در حال حاضر رسیده است (در حالی که جمعیت کشور و جمعیت تحصیل کرده‌اش نزدیک به دو برابر شده است) و همچنین در عرصه هنرهای نمایشی، فیلم سازی (سینمایی و سریال)، موسیقی (سنتی و مدرن)، تولیدهایی نه اکران می‌شوند و نه اجازه توزیع پیدا می‌کنند، و این علاوه بر وارد کردن زیان و خسارت به روند آفرینشگری در میهن، محروم کردن هنرمندان از درآمد محصول کار خود برای گذران زندگی است.

سانسور و ممنوعیت انتشار از عرصه آثار معاصر به گنجینه فرهنگ ملی کشیده شده است، و مرزهای زمان از کهن تا امروز در عرصه داستان، شعر، و پژوهش، را درمی‌نوردد. اجراکننده سیاست‌های مخرب ضد فرهنگی‌ای که راه به گم‌بیشه خرافه و واپس‌ماندگی می‌برد و نام بی‌مسمای فرهنگ و ارشاد بر خود گذاشته است، به هر ترفند و بهانه‌بی بر سر راه حرکت رو به جلو ادبیات و هنر مانع می‌تراشد: از کمبود کاغذ گرفته تا تهدید، بازداشت، و شکنجه نویسندگان و هنرمندان، بازیگران، شاعران، و کارگردانان، و «ارشاد» آنان به روی آوردن به واپس‌گرایی. از سوی دیگر همین دستگاه ضد فرهنگی که هر از چندی پاسداری بر اریکه آن تکیه می‌زند، با دروغ‌پردازی‌های عوام‌فریبانه - که نزد جامعه آگاه امروز ایران سرپا ناشیانه و پرت از مرحله دانسته می‌شود - ادعا می‌کند کسب افتخار ربودن جایزه اسکار، که ثمره کار و هنرمندی خلاقان عرصه هنر سینمای میهن ماست، نتیجه لابی‌گری دولت ضدملی کنونی است. رژیم با دستگاه اندیشه‌سوز سانسورش، دو هدف دارد. اول: گسستن رشته ارثیه ادبی و هنری (کلاسیک و مدرن) ایران از روند آفرینشگری ادبی و هنری کنونی، و دوم: با مانع‌تراشی‌ها و کارشکنی‌ها در این روند، هر چه پرهزینه‌تر کردن فعالیت ادبی و هنری مستقل از برنامه‌های رژیم. هدف رژیم از این گسستن و دشوار و پرهزینه کردن فعالیت ادبی و هنری در کشور، انداختن جریان کار و فعالیت ادبی و هنری - یا «ارشاد» [!] آن - به بستر مورد نظر و واپس‌گرایی قرون وسطایی خود است تا از آن در ادامه حاکمیت‌اش بهره گیرد. ما از وجود فضای آزاد برای رشد استعدادهای ادبی و هنری و برآمدن آثار ارزش‌مند ادبی و هنری نویسندگان، شاعران، و هنرمندان (در همه رشته‌های هنری) میهن‌مان حمایت و در راه آن مبارزه کرده‌ایم و خواهیم کرد.

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به: حزب‌های کمونیست و کارگری جهان

کنگره ششم حزب توده ایران، به نمایندگی از سوی همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، مراتب قدرشناسی و سپاس خود را از ابراز همبستگی و حمایت حزب‌های کمونیست و کارگری، و سازمان‌ها و شخصیت‌های انقلابی در همه کشورهای جهان، تقدیم شما می‌کند.

رفقای گرامی،

کنگره ششم حزب توده ایران در ماه فوریه ۲۰۱۳ و با شرکت نمایندگان با در نظر گرفتن شرایط دشوار فعالیت غیرعلنی و اوضاع امنیتی موجود، با موفقیت کامل برگزار شد. کنگره ششم حزب ما اسناد سیاسی مهمی، از جمله گزارش عملکرد کمیته مرکزی حزب در فاصله زمانی میان دو کنگره، و طرح برنامه نوین حزب را تصویب کرد. برنامه نوین حزب توده ایران بازتاب دهنده شرایط سیاسی حاکم بر کشور، شرایط اقتصادی - اجتماعی موجود در کشور، برآیند واقعی نیروها در سطح جامعه، و نیازها و خواست‌های طبقه کارگر، زحمتکشان شهر و روستا، و دیگر قشرهای ملی و مردمی جامعه است. برنامه نوین حزب ما بر پایه وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم، و درک خلاق از آن، تنظیم شده است و مسیر مبارزه پیروزمند و تاریخی حزب را در راه صلح، دموکراسی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، و سمت‌گیری سوسیالیستی در میهن مان ترسیم کرده است.

رفقای گرامی،

کنگره ششم حزب توده ایران هم‌زمان با سی‌امین سالگرد یورش خائنانه و سرکوبگرانه رژیم ولایت فقیه به حزب توده ایران (۶ فوریه ۱۹۸۳) برگزار شد، یورش‌هایی که در خلال آن اکثر اعضای کمیته مرکزی حزب و صدها کادر ورزیده آن دستگیر و اعدام شدند یا در زیر شکنجه جان باختند. در این یورش هزاران تن از اعضا و هواداران حزب دستگیر شدند و به زندان افتادند.

بازسازی حزب و از سرگیری دوباره فعالیت منظم آن پس از این ضربه مرگبار، با کوشش و تلاش فداکارانه توده‌ای‌های جان‌به‌در برده میسر شد. در این روند، حمایت معنوی حزب‌های برادر نیز عامل مهمی در یاری‌رسانی به قد برافراشتن دوباره حزب در طی آن سال‌های دشوار بود. به همین سبب، کنگره ششم حزب ما بار دیگر به نقش پراهمیتی که همبستگی پیگیر و وقفه‌ناپذیر شما حزب‌های برادر با مبارزه مردم و زحمتکشان ایران در مبارزه‌شان در راه صلح و دموکراسی، و به‌ویژه حمایت شما از ادامه پیکار خستگی‌ناپذیر حزب ما در راه دستیابی زحمتکشان به حقوق‌شان، ترقی، و سوسیالیسم داشته است، تأکید قاطع داشت. ارسال پیام‌های تبریک و همبستگی رسمی از سوی ۵۲ حزب کمونیست و کارگری از هر پنج قاره جهان به مناسبت برگزاری ششمین کنگره حزب ما، نمایش پرشکوهی از همبستگی بین‌المللی بی‌نظیری است که حزب ما در تمام مدت حیات ۷۱ ساله خود و به‌ویژه در سه دهه اخیر با افتخار از آن برخوردار بوده است. نمایندگان حاضر در ششمین کنگره بارها و بارها با کف زدن‌ها و اشک‌های حق‌شناسانه خود، بیان قاطع و پُرطنین شما را در پیام‌های همبستگی‌تان با مبارزه مرگ و زندگی کمونیست‌های ایران تحسین کردند. این پشتیبانی و همبستگی بی‌دریغ و بدون چشم‌داشت حزب‌های کمونیست و کارگری جهان از مبارزه حزب ما، در سه دهه گذشته و از جمله به‌وسیله انتشار ده‌ها بیانیه مشترک با امضای شما هم‌زمان پیشاهنگ مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم نیز نمود خاصی داشته است. این حمایت و همبستگی شما، به مبارزان توده‌ای، هواداران، اعضا، و کادرهای حزب ما در ادامه مبارزه دشوارشان در راه دگرگونی‌های بنیادی ملی - دموکراتیک، در مسیر انجام تغییرهای راهبردی (استراتژیک) و بلندمدت به سود زحمتکشان میهن‌مان، همواره انگیزه و امیدبخشیده و می‌بخشد. حزب توده ایران در سراسر حیات کار و پیکار بیش از هفت دهه‌ای خود، مصمم و معتقد به درستی اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، همواره درفش خون‌فام دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و مبارزه برای دگرگونی‌های بنیادین و ضرور را در ایران برافراشته نگاه داشته است. در دفتر تاریخ این مبارزه دشواری که در شرایط بغرنج میهن ما صورت می‌گیرد، برگ‌های زرینی از جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان با نام حزب توده ایران ورق می‌خورد.

ششمین کنگره حزب توده ایران - پیام‌های کنگره

رفقای گرامی،

کنگره ششم حزب توده ایران، به نمایندگی از سوی همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، مراتب قدرشناسی و سپاس خود را از ابراز همبستگی و حمایت حزب‌های کمونیست و کارگری، و سازمان‌ها و شخصیت‌های انقلابی در همه کشورهای جهان، تقدیم شما می‌کند و اعلام می‌دارد که، حزب ما امروزه، و در مسیر پیچیده مبارزه برای دگرگونی‌های سرنوشت‌ساز، برای برافراشته نگاه داشتن پرچم صلح، استقلال، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، و عدالت اجتماعی در میهن مان، در کنار تکیه به نیروی لایزال مردم ایران، ادامه و گسترش یاری‌ها و پشتیبانی همه‌جانبه شما را همچنان خواهان است. حزب توده ایران برای همبستگی بین‌المللی هماهنگ و کارآی شما با مبارزه مردم و زحمتکشان ایران برضد طرح‌های مکارانه، مداخله‌گرانه، و جنگ‌افروزانه امپریالیسم جهانی در ارتباط با میهن ما ایران، و از جمله محکوم کردن تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده که قربانیان آن ستم‌دیده‌ترین قشرهای اجتماعی‌اند، ارزش و اهمیت فراوانی قائل است. همبستگی شما با جنبش آزادی‌خواهی و عدالت‌جویانه مردم ایران و برضد سیاست‌های سرکوبگرانه و مردم‌ستیزانه، ضدکارگری و عمیقاً ارتجاعی رژیم دین‌سالار حاکم بر ایران که امکان هرگونه سازمان‌دهی مردمی، فراگیر، و قدرتمند را بسیار محدود کرده است، برای این جنبش و نیروهای سیاسی پیکارگر ایران اهمیت شایانی دارد. تاریخ و تجربه خونبار خلق‌ها نمایانگر این واقعیت است که آنجا که بانگ اعتراض و نیروی پرتوان همبستگی بین‌المللی با مبارزه خلق و نیروهای انقلابی هر کشوری پیوند یابد، درهای زندان‌ها گشوده، پرچم صلح‌خواهی افراشته‌تر، مارش رزم‌جویانه و حق‌طلبانه زحمتکشان پُرصلابت‌تر، تیغ دژخیمان کندتر و سلاح رزمندگان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بُرنده‌تر می‌شود.

پیروز باد مبارزه در راه صلح، سوسیالیسم، و پیشرفت!

پرتوان باد همبستگی بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری!

فروزان‌تر باد شعله دفاع آزادی‌خواهان و ترقی‌خواهان جهان از جنبش مردم ایران!

کنگره ششم حزب توده ایران

فوریه ۲۰۱۳ - بهمن ماه ۱۳۹۱